

نقد کتاب نگارش و ویرایش

یدالله نصراللهی*

چکیده

نگارش و ویرایش، اثر ارزنده احمد سمیعی (گیلانی) است که سالهای متمادی، کتاب درسی دانشجویی و اصلی‌ترین متن درسی دانشجویان در آموزش نگارش و درست نویسی بوده است. چاپهای متعدد و شمارگان زیاد و فراوان چاپ آن، گویای اقبال فراوان خوانندگان و مخاطبان، بدین اثر بوده است. این کتاب، دو بخش عمده دارد: نگارش و ویرایش که سمیعی گیلانی تا حد امکان، با ذکر شاهد و مصداق، نظر و بحث خود را تبیین و ثابت کرده است. عمده‌ترین خطاها و لغزش‌های موجود در بخش اول (نگارش) اثر، عبارتند از: نبود مقدمه، عنوان بخشها به صورت جمله، یکدست نبودن آرایش پاراگرافها، درج و توضیح مدخلهای غیر نگارشی - مقاله تحقیقی، مرجع‌شناسی، وجود بخش تعریف - که با اثر نگارشی متناسب به نظر نمی‌رسند. خطاهای بخش ویرایش (خطاهای زبانی) عبارتند از: نیاوردن دلایل وافی در برشمردن خطاهای زبانی (ویرایش زبانی)، اصرار بر جدانویسی، مغایرت املائی کلمات با دستور خط فارسی فرهنگستان. این نوشتار در پی آن است که تا حد امکان، همه موارد را با ذکر مصداق و شاهد از اثر، نقل کند. روش تحقیق این نوشتار، مقایسه‌ای، تحلیلی و انتقادی است که مطالب خود را به شیوه اسنادی و فیش برداری گرد آورده است.

کلیدواژه‌ها: نگارش و ویرایش، نقد، خطاهای شکلی، خطای ویرایشی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، Y.nasrollahy@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۳

۱. مقدمه

مدتها بود که در نظام آموزشی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، درس ۲ واحدی "نگارش و ویرایش" برنامه ریزی شده بود؛ قبل از سال ۱۳۹۲ این درس، به ارزش ۴ واحد برای دانشجویان کارشناسی ارائه می شد ولی بعد از سال ۹۲ و تغییر سرفصل دروس دوره کارشناسی، این عنوان و ماده درسی به ۲ واحد تقلیل یافت و در عوض در دروس اختیاری، واحد هایی با عنوان "کارگاه ویراستاری" و "مبانی آموزش زبان فارسی" را برای گروهها و دانشجویان پیشنهاد کردند که به صورت اختیاری، آنها را انتخاب واحد کنند. شاید بی اغراق و مجاملت بتوان گفت که در این سالها، منبع درسی و در دسترس دانشجویان برای این درس، کتاب ارجمند "نگارش و ویرایش" استاد احمد سمیعی (گیلانی) بوده و است؛ کتابی که چاپهای متعدد و شمارگان فراوان این اثر، این نظر را تایید می کند. از سال ۱۳۶۶ که چاپ اول این کتاب را سمیعی گیلانی با عنوان "آیین نگارش" و به صورت کتابچه ای در این موضوع، به طبع رساند و بعد با افزودن و آرایش و پیرایش فراوان، با عنوان "نگارش و ویرایش" در سال ۱۳۷۸ به صورت مفصل چاپ رسید که به قول خود سمیعی و در واقع، شرح و بسط همان "آیین نگارش" بود. در سال ۱۳۹۵ این کتاب به چاپ پانزدهم رسید و در این مدت، استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، آن را "الگوی" خود در نوشتن و ویراستاری قرار دادند. می توان با تقریب و تخمین ادعا کرد که غالب منابع عمده نگارش و ویرایش چاپ شده بعد از اثر سمیعی گیلانی، مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر این اثر بوده است و مشخصا می توان به کتاب ۴ جلدی "کتاب کار نگارش و انشا" از دکتر ذوالفقاری اشاره و با آن مقایسه کرد و به تاثیر پذیری واضح دکتر ذوالفقاری از نگارش و ویرایش در مقایسه و تطبیق سطحی، پی برد و حتی می توان در پژوهشی در مقایسه و سنجش کتاب های نگارش و ویرایش به این نظر رسید. قدرت و مهارت سمیعی گیلانی در نوشتن و بالاحص در ویراستاری در موسسات و منابع متعدد، دلیل اقبال فراوان مخاطبان به این اثر گرانبمایه بوده است و در این نوشتار، به بررسی و نقد نگارش و ویرایش خواهیم پرداخت. پیش از بیان مطالب، لازم است یادآوری شود که این مطالب، بیشتر نظرهای استحسانی است و الا باید اذعان کرد که در این اثر عیب و کاستی فاحشی که متن را مخدوش سازد، تقریبا اندک است و به قول موری که در تمجید از امر نقد کتاب، گفته اند که حقیقت مسلم این است که منتقد با نقد کتاب، به آن کتاب ارج و بهایی خاص قائل می شود (موری، ۱۳۷۵: ۴۸) و صاحب این قلم، نیز به دلیل ارزشمند دانستن اثر سمیعی

گیلانی به نقد و بررسی آن پرداخته است، امید است که طی راه او با توفیق همراه بوده باشد.

از سوالهای عمده در حوزه این تحقیق، می توان به این موارد اشاره کرد: کاستی ها و ضعفهای احتمالی موجود در "نگارش و ویرایش" چیست؟ نقش این کتاب در آموزش و هدایت دانشجویان در وادی نگارش و ویرایش، چه اندازه بوده است؟ تناقض، تکرار و ایرادهای محتوایی و ظاهری اثر چه بوده است؟ و می توان در این نوشتار، این موارد را فرضیه تلقی کرد: نوشتن و درست نوشتن، اصل مهمی در جامعه علمی و دانشگاه هاست که نگارش و ویراستاری، به ترتیب این خواسته را برآورده می کند؛ برای تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری در محیطهای دانشگاهی، باید اهتمام بیشتری به امر و درس نگارش ورزید؛ نوشتن و درست نویسی، امری تمرینی است که با تکرار می توان بیشتر پرورد. واقعیت آن است که در موضوعات مربوط به نگارش، اگر با کمبود منابع مواجه نباشیم؛ لااقل در این زمینه فراوانی منابع نیز نداریم. درباره پیشینه تحقیق، غالب منابع مرتبط با نگارش و درست نویسی می توانند سزاوار اعتنا باشند: مجموعه مقالاتی با عنوان "درباره زبان فارسی" که نشر مرکز چاپ کرده است و در حوزه درست نویسی و ویرایش، بیش از هر اثری، "غلط نویسیم" مرحوم دکتر نجفی موثر بوده است و مجموعه مقالاتی با عنوان "درباره ویرایش است که هم سمیعی گیلانی در تالیف کتاب خود و هم ما در تدوین این مقاله از آن ها بهره برده ایم. از حیث رعایت چارچوب و اصول این نوشتار، به مقالات نشریه وزین پژوهشنامه انتقادی، نظر داشتیم. البته درخور ذکر است که در منابع الکترونیک، نوشته هایی در باره نگارش و ویرایش سمیعی در دست هستند که ظاهرا در زمان های تجدید چاپ این اثر، به معرفی توصیفی آن پرداخته اند و اغلب با زبان و ادبیات تمجیدآمیز، کتاب سمیعی را به مخاطبان معرفی کرده اند.

۲. بحث

امروزه نوشتن برای جوامع، هم نیاز است و هم ضرورت؛ واحد تولید علم و تبیین نظری آثار خلاق علمی و ادبی، نوشته است و برای این امر دریافت و انتقال علم و تکنولوژی، ما نیز به آماده سازی زبان خود نیاز داریم (منصوری، ۱۳۷۵ : ۳۰۴)، تا زبان و فرهنگ خود را به صورتی درآوریم که به جای این که بیشتر وارد کننده از زبانهای دیگر باشیم بدان زبانها هم محصولات و هم آثار زبانی خود را صادر کنیم (ایرانی، ۱۳۷۵ : ۲۳۸). برخی برآنند که

نوشتن را امری ذهنی و شخصی بدانند (باستی ین، ۱۳۷۵: ۳۹)؛ ولی حق آن است که نویسندگی را باید امری فردی دانست که در انتقال و تغییر فرهنگ و اجتماع، نقش فراوانی ایفا می‌کند؛ اما در عصر جدید به غیر از ارج و اهمیت دادن به نوشتن، باید به ویراستاری نیز توجه خاصی داشت که اصول درست نویسی و پرهیز از غلط نویسی را، تعلیم، تبلیغ و ترویج می‌کند و به همین دلیل، برخی ویراستاری را در مرز بین علم و مهارت قرار می‌دهند و تعلیم و تعلم آن را ضروری می‌دانند (معصومی همدانی، ۱۳۷۵: ۷۱) و بحق برخی بجا گفته‌اند که پیشنهادها و ویراستار، می‌تواند کتاب خوب را خواندنی‌تر کند (بل، ۱۳۷۵: ۶۵). در جوامعی که ارج و اهمیت کار ویراستار، بالاست و او و شغل او را بجد می‌گیرند؛ ویراستار را چشم‌ناشر می‌دانند (استیتون، ۱۳۷۵: ۷).

کتاب نگارش و ویرایش، ترکیب یافته است از دو بخش (دفتر) نگارش و ویرایش؛ مولف برای دفتر نگارش، چهار فصل آورده است: "۱ - کلیات؛ ۲ - زبان نوشته؛ ۳ - خصایص بلاغی زبان؛ ۴ - راههای پروردن معانی. برای دفتر دوم نیز چهار فصل آورده‌اند: ۱ - انواع خدمات ویرایشی؛ ۲ - مراحل خدمات ویرایشی؛ ۳ - ویرایش زبانی؛ ۴ - ویرایش فنی". سمیعی برای دفتر دوم، مقدمه‌ای در آغاز و ضمیمی در پایان آورده است. دفتر اول، در فصل اول، هشت مدخل در موضوعات کلی مربوط به نگارش، انواع و محدودیت‌های آن و نویسندگی و معماری و... دارد در فصل دوم نیز در هشت زیر به بخش‌های متفاوت در موضوعات انواع زبان، گونه‌های کاربردی آن، زبان معیار و شکسته و... و در فصل سوم به خصایص بلاغی زبان، سادگی، سلاست، ایجاز و تنوع پرداخته است و فصل آخر دفتر نگارش به راههای پروردن معانی چون تعریف، توصیف، مقایسه، مکالمه و... اختصاص یافته است؛ بخش‌های مهمی که می‌توان در آن‌ها تأمل و درنگ کرد، به قرار زیر است:

بخش ۴ کلیات از آن "نوشته، محصول تجربه و معلومات و تحقیق" است که بخشی است مهم و ارزنده؛ که می‌توان چندین بار آن را خواند و از آن نکته‌ها آموخت. در بخش "زبان نوشته"، به درستی تجویز و تأکید فرموده‌اند که رسانه‌های گروهی زبان شکسته به کار نبرند (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵: ۶۸) و تقسیم زبان به "فعال و غیر فعال" نیز می‌تواند مفید واقع گردد (همان: ۹۵). مهم‌تر از همه، نظری دقیق و خوب در انتخاب زبان دارند که به دلیل اهمیت، عیناً در این جا نقل می‌کنیم:

به نظر ما هر دوره‌ای دارای شم زبانی مختص به خود است و در آخرین تحلیل، شم زبانی زنده و پرورده‌ی آن عده از ارباب‌فلم که با تتبع آثار و متون، به نوعی زبان

آگاهی جامع الاطراف دست یافته اند، می تواند ملاک تمیز درست از نادرست باشد. تتبع در استعمال قدما و تحول زبان فقط به این زبان آگاهی کمک می کند. (همان: ۱۸۵)

دفتر دوم را سمعی به ویرایش اختصاص داده، و آن نیز از چهار فصل ترکیب یافته است: فصل اول، به انواع خدمات ویرایشی در شش زیر فصل، به اعتبار نوع ویرایش و اثر، حوزه محتوایی، حجم اثر و مخاطبان و ...؛ فصل دوم از آن مراحل خدمات ویرایشی در ده زیر بخش و به بررسی و ارزیابی، تماس با صاحب اثر و ... تعلق دارد و در فصل سوم که مهم ترین و اصلی ترین فصل مربوط به ویرایش است، به مبانی و خطاهای ویرایش زبانی با ذکر خطا و نقل صورت درست آن و با نقل شواهد و مصادیق می پردازد؛ فصل چهارم از آن ویرایش فنی، شیوه املا، آوانویسی و ... است. اینک خرده ها و اشکالات عمده در این اثر را به ترتیب صفحه و به قرار زیر ذکر می کنیم:

۳. خطاهای شکلی و ظاهری

این اشکال، عمدتا در دفتر اول (نگارش) مشهود است:

۱ - کتاب را نخست با فصل اول (کلیات) شروع کرده اند بی آنکه مقدمه ای بیاورند؛

۲ - برخی از عنوان زیر فصلها به صورت جمله و حتی جمله پرسشی است:

"همه ی ما به نوشتن نیاز داریم" (همان: ۳)

"چرا گفتن آسان است و نوشتن دشوار؟" (همان: ۵)

۳ - هرچند قانون مطلقى در رعایت تعداد سطور پاراگراف وجود ندارد و از این حیث، شاید نتوان این امر را عیب ندانست ولی می توان ذکر کرد که ناهنجاری در آرایش و چینش پاراگرافها وجود دارد؛ در ص ۶، شش پاراگراف به کار برده اند که پاراگراف اول، ۴ سطر، دوم ۷ سطر، سوم یک سطر و نیم، چهارم دو سطر و نیم، پنجم سه سطر و نیم و ششم ۴ سطر است؛

۴ - به نظر می رسد که وجود برخی زیر فصلها در کتاب، ضروری و لازم جلوه نمی کنند: مقاله ی تحقیقی در ص ۲۸، بررسی و نقد در ص ۳۰ و مرجع شناسی در ص ۴۴؛ به

این دلیل که دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، دروس و واحدهای مستقلی با عنوان روش تحقیق، مرجع شناسی و کارگاه مقاله نویسی دارند؛

۵ - بخش استدراک - آیرونیا در ص ۷۳، که در چاپهای قبلی نبوده و سمیعی فرموده اند که آن را از منبعی فرانسوی اقتباس کرده اند، مطالب عمده این بخش در بخش قبلی (طنز، مطایبه) آمده است؛

۶ - وجود برخی بخشها یا زیر فصلها در کتاب نگارشی، به توجیه فراوان نیاز دارد؛ مثلا بخش "استدلال" در ص ۱۴۰ و بخش "تقسیم بندی" در ص ۱۵۵ و بی آن که مصادیق و شواهدی از آثار ادبی بر آن بیاورند و حتی ضرورت بخش "تعریف" در ص ۱۲۲، به نظر مفید فایده نیست و به ناگزیر برای یافتن شواهد و مصادیق، مجبور شده اند از اثر طنزآمیز "التفصیلگ توللی شاهد مثال بیاورند؛

۷ - وجود عطف های فراوان و بی شمار و یا ذکر همپایه های متعدد از مختصات این کتاب است و شاید نتوان آن را خطا و لغزش دانست و حتی می توان، آن را از مختصات سبکی اثر و صاحب آن دانست؛ برای نمونه:

الف - "عفت قلم و حفظ حرمت صاحب اثر و رعایت انصاف و پرهیز از ارزش داوری بی پایه و اظهار نظرهای عاطفی و متاثر از انفعالات روانی، نیز شرط است" (همان: ۳۲)؛

ب - "یا درسی است یا مطبوعاتی یا وسیله ی تفریح و سرگرمی، برای انتقال خبر است یا برای طرح تقاضا یا اقامه ی دعوی یا بیان عواطف یا وصف احوال نفسانی یا درد دل با خود و با دوست یا دادن اطلاعات در رشته و زمینه ای خاص و..". (همان: ۴۸)

و همین عامل، علت اصلی ابهام و غموض متن این کتاب، بالاخص در نگارش است.

۸ - تکرار مطالب، مثلا ۲ سطر اول ص ۵۰ در پاراگراف ۲ ص ۵۳، عینا تکرار شده است و مثالها و شواهدی که در دفتر ویرایش مکرر شده اند:

- کاهش بارندگی در سال گذشته در کم بود منابع آب های زیر زمینی بی تاثیر نیست (همان: ۲۱۳) که عینا این مثال را در ص ۲۴۱ نقل کرده اند؛

- در این طرح، حیف و میل زیادی انجام شده است (همان: ۲۰۴) که در ص ۲۴۱ تکرار شده است؛ سمیعی این شاهد مثال را یک بار در صورت تبیین خطای مربوط به "

انجام" و بار دیگر در خطای مربوط به "اشکال منطقی" آورده و در هر دو صورت درست را به شکل واحد ذکر کرده است.

- و نیز در این مثال: "انطباق مصنوعی بین... رانیز به کار گرفتند" (همان: ۲۱۴) که در ص ۲۳۰ دوباره آورده اند؛ در این شاهد مثال نیز، یک بار در خطای مورد نظر "کاربرد فعل لازم به جای متعدی" و بار دیگر در مصداق خطای "تعبیرهای دراز و متکلفانه" آورده اند.

۹ - مورد دیگر از تناقض در کتاب، شیوه پیشنهادی سمیعی در املاهای برخی از کلمات است: در ص ۲۸۵ "طارم" و در ۲۹۱ "تارم"، آورده اند.

۱۰- در ص ۴۵، "هیوی" به کار برده اند: "از حیث اشتغال بر مباحث لغوی،... اساطیری و حتی نجومی و هیوی و نظایر آنها" (همان: ۴۵) ظاهراً منظورشان، منسوب به هیئت است؛ در لغت نامه دهخدا هیوی منسوب به هیات (علم نجوم و متعلقات) به کار رفته است بی آنکه شواهدی از متون بر آن نقل کنند؛ اما در منابع لغت عربی و مشخصاً در المعجم الوسیط، اثری از هیوی نیست.

۴. اشکالات محتوایی

۱ - سمیعی در کل اثر در کل اثر، به جای منظم تر، "منتظم تر" به کار برده است (همان: ۵۰)؛ در خور ذکر است که با استناد به لغت نامه دهخدا، منتظم در معنی منظم در متون قدیم کاربرد دارد ولی در زبان امروز، بیشتر منظم کاربرد دارد.

۲ - در ص ۱۹، به جای "بلامقدمه"، شاید بی مقدمه بهتر باشد؛

۳ - مولف این اثر، آدرس دقیق مرجع، ماخذ منقولات و مقولات قول و نشانی ابیات را ذکر نکرده اند؛ نام و شماره سوره و آیات را نیاورده اند (همان: ۱۰۱)؛ یا در ص ۱۱۵ برای بحث ایجاز، به ابیاتی از سعدی، استناد کرده اند بی آن که به آدرس دقیق صفحه متن آن اشاره کرده باشند و با آن که در ص ۱۴۵ پاراگراف ۳، به اهمیت ذکر نشانی قول شاهد پرداخته اند، ولی خود بدین امر عمل نکرده اند این در حالی است که در ص ۱۸۸ پاراگراف ۲ به وجوب ذکر کردن یا نکردن منبع ماخذ اشاره کرده اند و این هم اثری از وجود پاره تناقض در این اثر است.

- ۴ - در ص ۴۳ پاراگراف سوم، کلمه "متذوق" عربی و به تبع آن در فارسی، بار معنایی منفی دارد ولی مولف، آن در مفهوم مثبت به کار برده اند؛
- ۵ - عنوان فصل چهارم دفتر اول، راههای پروردن معانی است، پرورش به نظر رساتر و زیباتر از پروردن می رسد؛
- ۶ - در دراین مثال: "مهشید اما سرگرمی های خاص خود را دارد" (همان: ۲۴۰) تعبیر شاعرانه دارد و بعد آن را چنین تصحیح کرده اند: "اما مهشید سرگرمی های خاص خود را دارد"؛ به نظر می رسد با جابجایی اما از وسط به آغاز جمله، نمی توان جمله را شاعرانه کرد و یا شاعرانگی آن را از بین برد.
- ۷ - در ص ۲۴۹ در مدخل اسم مکان و زمان، اسمهایی را آورده اند؛ همه آن اسمها اسم مکان هستند و خبری از اسم زمان نیست؛ برای مثال: مقتل، منزل، مزرعه، مجتمع و...

۵. منطبق نبودن شیوه املائی کلمات با دستور خط فارسی فرهنگستان

سمیعی در بخش یادداشت کتاب خود، به این امر اشاره کرده اند که شیوه پیشنهادی ایشان در رسم الخط و متن کتاب، با دستور خط فارسی مغایرت دارد؛ ایشان به جای "ء" کوچک، همه جا "ی" بزرگ به کار برده اند، یکی از توجیحات ترجیح کاربرد "ء" کوچک در مقابل "ی" بزرگ، شاید این باشد که در روزگار صرفه جویی در انرژی و کاغذ، کاربرد "ی" کوچک مقرون به صرفه باشد؛ علاوه براین غالب استادان بنام ادبیات فارسی "ء" کوچک را بیشتر از "ی" بزرگ در آثار خود به کار برده اند. این امر در کتاب، آن قدر شایع است که نیازی به ذکر مثال نیست. در این زمینه، مهم تر از همه، علاقه و شیفتگی خاص ایشان به جدا نویسی کلمات مرکب است، حتی کلمات جا افتاده زیر را بدین شکل و جدا نوشته اند:

— دست رس (ص ۴)، دانش جویان (ص ۵)، نمایش نامه (ص ۷)، راه نما (ص ۲۷) و (ص ۱۸۶)، کتاب خانه (ص ۱۴۷)، دانش نامه (ص ۱۷۹)، پیش نهاد (ص ۱۹۰)، هم کاری (ص ۱۹۵) و خوش نویسی (ص ۲۶۱).

۶. موارد طرح پذیر در ویرایش فنی

- ۱ - ویرایش فنی کتاب آیین نگارش و ویرایش، خاص است و به دلیل همین ویژه بودن، سریع به چشم می زند و باز می توان در این باره، هم آن را عیب فاحش ندانست ولی برای

طرح مسئله به ذکر آن می پردازیم که نویسنده اثر، اثر بعد از حروف ربط و پیش از گروه قیدی، مکرر ویرگول می گذارند مثلاً در ص ۳ بعد از و، و در ص ۴ بعد از که، و... ویرگول گذاشته اند. بدیهی است که فلسفه کاربرد ویرگول، مکث کردن است و نیامیختن خواندن و فهم مطلب پیش از ویرگول با پس از ویرگول است؛ به نظر نمی رسد که امکان خواندن ترکیبی و آمیزشی حرف ربط در زبان فارسی باشد. صفحه ای نیست که این نوع نشانه گذاری در آن، به کار نرفته باشد؛

۲ - در زبان فارسی و در عطف یا همپایه سازی کلمات با ویرگول، پیش از آخرین کلمه، معمول است که و می گذارند ولی سمیعی، کاربرد و را مجاز نمی دانند و در همه آن موارد، از ویرگول بهره برده اند؛ در ص ۱۲۲، ۴ سطر مانده به آخر و در ص ۱۴۵، پاراگراف اول و مهم تر از همه در ص ۲۳۹ پاراگراف آخر. و در آغاز همان پاراگراف، بعد از اما ویرگول به کار برده اند که بیانگر کاربرد بیش از حد این علامت ویرایش فنی است؛

۳ - در ص ۱۹۸، شماره ۶ بعد از پشت جلد؛ ظاهراً ویرگول بهتر از نقطه ویرگول است: "تهیه ی معرفی نامه و شرح پشت جلد؛ تهیه ی شرح روی جلد، صفحه ی عنوان، صفحه ی حقوق، صفحه ی عنوان لاتینی" (همان: ۱۹۸)

۴ - در ص ۵۱ و در زیر بخش ۲، بعد از پایان هر مورد و طبق استناد به ص ۳۰۱ خود کتاب نگارش و ویرایش در کاربرد نقطه ویرگول، باید به جای ویرگول از نقطه ویرگول استفاده کرد.

۷. سبک خاص

برخی موارد در کتاب نگارش و ویرایش است که می توان از آن به ویژگی های سبکی صاحب اثر، تعبیر کرد؛ مثلاً ایشان به استفاده از درهم تنیدگی فعل در زمان گذشته و حال، علاقه خاصی دارند و تا توانستند این شیفتگی را به منصفه ظهور گذاشتند:

"در جهان معاصر نیز جامعه هایی بودند - و شاید هنوز هم باشند - که همان حال را داشتند و دارند، و برای پیام رسانی کلامی تنها از گفتار استفاده می کردند و می کنند" (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵: ۳)؛

و این تعبيرات خاص، که نظرگیر به جای "چشمگیر" (ص ۹ و ص ۴۷) و یا به جای جهان استکبار، "جهان استکباری" - اگر غلط تایی نباشد - استفاده کرده اند و یا "پذیرفتار" (ص ۱۴۶)، "فهرستی نیم بسته" (۲۳۴) و "نوخامه" (۲۳۷) مکرر در آن آمده است.

۸. موارد در خور ذکر در دفتر ویرایش

مهم‌ترین بخش در حوزه تجویزی و درست‌نویسی، از آن ویرایش است که استاد سمیعی گیلانی با استناد به "غلط‌نویسیم" و مقالات "درباره ویرایش" و "درباره زبان فارسی"، به صورتی منظم، خطاهای زبانی را فهرست و با ذکر نمونه‌ای صورت درست آن را ذکر کرده‌اند؛ البته نکته‌گفتنی در این مورد آن است که سمیعی برخلاف نجفی و ظاهرا به دلیل کمبود مجال کتاب، اساس را بر ذکر مختصر دلیل گذاشته‌اند و به اجمال، به توضیح موارد خطا پرداخته‌اند؛ به ترتیب برخی از موارد بحث برانگیز را می‌آوریم:

۱ - در زیر مدخل انجام درص ۲۰۴ و ذکر صورت غلط کاربرد آن، مثالی می‌آورد: انجام وظیفه می‌کند و در صورت درست آن دوباره کلمه انجام را آورده‌اند: وظیفه اش را انجام می‌دهد.

۲ - در غلط‌های مربوط به تشکیل دادن در ص ۲۰۶ می‌توان افزود که حق با ایشان است و این کاربرد غلط از رسانه‌ها و مطبوعات، وارد قلمرو زبان فارسی شده‌اند و حتی به خطا از روی آن تعبیرهای "مشکله، متشکله و..." ساخته‌اند که در ادب گذشته، سابقه ندارد.

۳ - در ص ۲۰۷ و در مدخل جای جای، باید گفت این تعبیر در متون گذشته به کار رفته است و دکتر نجفی نیز این مدخل را در غلط‌نویسیم نیاورده است:

این بگفت و گریه در شد‌های‌های اشک غلطان بر رخ او جای جای

(مولوی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۷)

۴ - در ص ۲۱۲ و در مدخل "می‌باشد"، نوشته‌اند که "بهرتر است به جای آن، است به کار رود" (همان: ۲۱۲)؛ برخلاف نظر نویسنده، می‌توان گفت که این تعبیر (می‌باشد)، در متون قدیم کاربرد دارد: "صواب آن است که عزیزا مکرم‌ا بدان قلعت، مقیم می‌باشد با همه قوم خویش" (بیهقی، ۱۳۹۲: ۷).

۵ - در این خطاهای زبانی، مدخلی که به نظر می‌رسد جای آن خالی است، کاربرد نا به جای همکرد فعل مرکب "نمودن" به جای "کردن" است و خطای شایعی است؛

۶ - کاربرد نظرات در ص ۲۱۲ و علی‌رغم توضیح دکتر نجفی (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۹۱)؛ تعبیرات این‌چنینی (جمع بستن کلمات سه حرفی با (ت) در متون کاربرد دارد؛ مثلا خطرات در کلیله و دمنه (ابوالمعالی، ۱۳۷۳: ۲۴۹) و حرکات و سکانات در آن اثر و...؛

- ۷ - "در صورت اصلاحی شاهد اول: کارفرمایان مکلف اند امکانات لازم را در اختیار کارگران قرار دهند و طرز استفاده از آنها را نیز به آنان آموزش دهند" (همان: ۲۱۷)؛ می توان از "قرار دهند"، دهند را به قرینه، حذف کرد؛
- ۸ - "در این شاهد مثال: معنی غیر مراد: (در عداوت رسول به کفار عرب) هم داستان بودند" (همان: ۲۲۵)؛ ظاهراً "با" به جای "به" درست است.
- ۹ - در ص ۲۴۲ و در بخش عربی در فارسی، پیشگام این موضوعات، زنده یاد دکتر فرشید ورد است با تالیف کتابی با این عنوان.
- ۱۰ - در ص ۲۴۶ و در پاراگراف آخر و سطر دوم، آیا کلمات علما، فضلا، ادبا، شعرا، در پایان همزه دارند؟
- ۱۱ - در ص ۲۵۸ صراحتاً از روش جدانویسی کلمات مرکب استاد مصفا، تمجید و بدان عمل کرده است؛ این در حالی است که سمیعی معتقدند که برخی از کلمات باید جدا و برخی پیوسته نوشته شوند.
- ۱۲ - در ص ۲۷۳، پاراگراف آخر، تبصره، می توان گفت که تفاوت تلفظ و املائی "رهرو و رهروی" برگرفته از تلفظ زبان قدیم و محاوره است؛ اولی در قدیم و دومی در محاوره، کاربرد دارد.
- ۱۳ - در ص ۲۷۴ و در مدخل نشانه ی همزه، مقاله ارزشمند مرحوم دکتر حق شناس با عنوان نقشهای دو گانه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی سزاوار یادآوری است.
- ۱۴ - در ص ۲۷۶ دلیل قانع کننده ای در اختلاف املائی دو کلمه عربی "صلوه و زکات" نیآورده اند.
- ۱۵ - در ص ۲۷۷، سطر ۲ املائی کلمه را "الاهی" آورده اند ولی گفته اند به استثنا "اله" باید چنین نوشته شود.
- ۱۶ - در ص ۲۸۳ و در املائی کلمات و برای نمونه پیشنهادهای خاص و تامل برانگیز دارند:
- آزوقه (۲۸۳)، اسطبل (۲۸۴)، بغچه (۲۸۴)، غدغن (۲۸۸)، غورباغه (۲۸۸) و قوتی (۲۸۸).
- ۱۷ - در ص ۳۳۰ و بر خلاف دستورالعمل خود، "چنانچه" را پیوسته نوشته اند (؟)
- ۱۸ - در ذکر مشخصات کتابشناسی در ص ۳۱۶، فرموده اند که "خواجه عبدالله انصاری" باید نوشت که به نظر پذیرفتنی نیست و باز در ص ۳۱۶ و در نوشتن مشخصات کتابشناسی آثار سلمی، "پور جوادی، نصرالله" را در آغاز آورده اند.

۱۹ - در ص ۳۱۹ و برای یافتن متناظر سال‌ها، می‌توان به اثر ارزنده دکتر بیرشک با عنوان گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله اشاره کرد؛

۹. ویرایش زبانی اثر

در متن نگارش و ویرایش، خود پاره‌ای خطاهای ویرایشی دارد که آنها را می‌آوریم:

۱ - رسانه‌های گفتاری (در صدا و سیما) اگر از آنها بهره‌برداری معقولانه بشود، می‌تواند ناتوانی‌های خط فارسی را در پرورش زبان معیار جبران کند (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵: ۲۵۹)

شاید اگر آغاز جمله را چنین اصلاح کنیم، بهتر شود: اگر از رسانه‌های گفتاری (در صدا و سیما) بهره‌برداری معقولانه بشود...

۲ - خطای کاربرد داشتن به جای کردن:

توجه داشت: "پیش از هرچیز باید توجه داشت" (همان: ۳۲)، عرضه می‌دارند (همان: ۱۹۵)، اقتضا دارد (همان: ۲۱۹) و پرهیز دارند (همان: ۲۲۷)؛

۳ - توجه نماییم: "روزی با آنها سروکار یابیم توجه نماییم" (همان: ۴۱)، که بهتر است توجه کنیم باشد؛

۴ - هست به جای است: "این هم هست" (همان: ۶۲)؛ ص ۷۱، پنج سطر مانده به آخر و ص ۱۲۲، سطر ۶؛

۵ - سقطات در ص ۱۸۳ پاراگراف ۳ (جمع کلمه سه حرفی با ات)؛ با توضیحات نویسنده محترم در ص ۲۱۲ منافات دارد که کاربرد چنین جمع‌هایی را به پیروی از دکتر نجفی غلط دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۹۱)

۶ - کاربرد تعبیر قابل: "این نظر به هیچ‌رو قابل دفاع نیست" (همان: ۱۸۳) که با توضیحات نویسنده محترم در ص ۲۱۱ و مطالب صاحب‌غلط ننویسیم تناقض دارد.

۷ - در ص ۱۸۹ بس موثر به کار برده‌اند که در صفحات پیشین کتاب، تعبیر "بس" را قدیمی دانسته و کاربرد آن را در زبان امروزی مجاز نمی‌دانسته‌اند.

این موارد (خطاهای ویرایش زبانی) را عیناً با استناد به متن کتاب نگارش و ویرایش استخراج کردیم.

۱۰. غلط‌های تایپی

پایان این نوشتار از آن غلطهای تایپی است که به ناگزیر در آن، مندرج است:

- ۱ - ص ۷۹، سطر آخر، آمبولی؛
- ۲ - ص ۱۱۶،
- ۳ - ص ۱۴۷، انتم سکاری که السکاری، درست است؛
- ۴ - ص ۲۳۴ امریکا که باید آمریکا باشد؛
- ۵ - ص ۲۴۸، ۸ سطر مانده به آخر، اطفاء درست است؛
- ۶ - صص ۲۵۷ و ۲۵۸، میلیونی نه ملیونی؛
- ۷ - ص ۲۷۷، سطر ۲، هارون درست است؛
- ۸ - ص ۲۷۷، سطر ۸ لدی الورود باید باشد.

۱۱. نتیجه‌گیری

نگارش و ویرایش، اثر ارزنده و بنام احمد سمیعی (گیلانی) است که دانشجویان، آن را در دوره‌های مختلف دانشگاهی می‌خوانند و درس نگارش و کارگاه ویراستاری را با آن می‌گذرانند. این کتاب منبعی است که آثار بعد از خود را با شدت و ضعف، تحت تاثیر قرار داده است. و حتی متقدمان از آن به الگویی برای نگارش و ویرایش تعبیر کرده‌اند. نگارش و ویرایش، دو بخش مجزا درباره نگارش و ویرایش دارد و سمیعی می‌کوشد که کلیات، زبان نوشته، خصایص بلاغی و راههای پرورش معانی را در دفتر اول تبیین کند؛ در بخش ویرایش نیز، مباحثی درباره خطاهای زبانی، ویرایش فنی، املا و عربی در فارسی دارد. هرچند نام و حرفه ویراستاری سمیعی در ویرایش و ویراستاری برای هر منتقد و خواننده‌ای، سهمگین است و سنگین؛ ولی این قلم بر آن بوده که پاره‌ای از خطاها و اشتباهات در این اثر را استخراج و ارائه کند: تکرار، چینش ناهنجار پاراگرافها، درج برخی بخشهای غیر مرتبط با نگارش (مقاله تحقیقی، مرجع شناسی و...)، عطف‌های متعدد را می‌توان برخی از کاستی‌هایی دانست که در دفتر نگارش، وارد شده است و در بخش ویرایش، نبود توضیح وافیه و کافی در هر مدخل خطا، محل اشکال بودن برخی خطاها، طرح نکردن کاربرد خطای همکرد فعل نمودن به جای کردن و عدول از دستور خط و املائی پیشنهادی خود را می‌توان از این نوع، برشمرد. علاوه بر این در اثری دانشگاهی، باید

آدرس دقیق منبع و مرجع را ذکر کرد که متأسفانه مولف محترم در غالب موارد، این امر را لازم ندانسته‌اند. با همه این اوصاف، این موارد چون قطره‌ای است در جنب دریای ارزشهای والای اثر، که چون هیچ در شمار نمی‌آید و فقط گویای آن است که گردآورنده این نوشتار خرد، این اثر را خوانده است و امید دارد که بر راه خطا نرفته باشد.

کتاب‌نامه

- ابوالمعالی، نصرالله منشی (۱۳۷۳) ترجمه کلبه و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: امیر کبیر.
- استیتون، الزی مایرز (۱۳۷۵) ویراستار چگونه آدمی است و چه می‌کند؟ ترجمه ناصر ایرانی، به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ایرانی، ناصر (۱۳۷۵) خطرهایی که زبان را تهدید می‌کند. به نقل از درباره زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باستی ین، لوبد (۱۳۷۵) راه و رسم کار با نویسندگان. ترجمه ناصر ایرانی، به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باطنی، محمدرضا () اجازه بدهید غلط بنویسیم. آدینه، شماره ۲۴.
- بل، جس (۱۳۷۵) در آداب ویراستار یک‌نمده. ترجمه علی محمد حق شناس، به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیرشک، احمد (۱۳۷۳) گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ اسلامی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۲) تاریخ بیهقی. مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست‌ها: دکتر محمد جعفر یاحقی، مهدی سیدی، تهران: سخن.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵) (گردآورنده)، درباره زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵) (گردآورنده)، درباره ویرایش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۰) نقشهای دوگانه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی. مقالات ادبی زبان‌شناختی، تهران: نیلوفر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶) کتاب کار نگارش و انشا (جلد ۱ تا ۴). تهران: اساطیر.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۵) آداب ویراستاری. به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۹۵) نگارش و ویرایش. تهران: سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳) عربی در فارسی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- معصومی همدانی، حسین (۱۳۷۵) بیماریهای ویراستاری. به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نقد کتاب نگارش و ویرایش ۴۰۱

منصوری، رضا (۱۳۷۵) چرا و چگونه زبان فارسی، باید زبان علمی باشد؟ به نقل از درباره زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

موری، مارک لند (۱۳۷۵) پذیرفتن انتقاد و بهره‌گیری از آن. به نقل از درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۵) مثنوی معنوی، ج ۵، تهران: توس.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷) غلط‌نویسیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.